

به تمام ایرانیان هشدار میدهم.

# طوطی و بازرگان دارد تکرار میشود. جلوی آنرا بگیرید.

آنچیزی که از آن بیمناک هستیم که بشکل دیگری در تاریخ ایران تکرار گردد، همانا ظهور دوباره خاتمی ورفسنجانی و خریدن عمر دوباره برای این رژیم پوسیده فاشیستی اسلامی است.

**هنوز دیر نشده است. وظیفه گوشزد به مردم و نیروهای جوان ایران بر دوش ماست.**

وقتی پس از سیاست هویج به سیاست چماق آمریکائیان رسیدیم باید به ایرانیان گفت که سیاست چماق دارای سه مرحله می باشد. 1. چماق در دست 2. بردن چماق بالای سر 3. فرود آن به فرق سر. آری. غرب در مقابل ملایان چماق در دست گرفت ولی چماق را ابتدا بالای سر نبرد که ملایان آنرا جدی بگیرند.

یکسال طول کشید تا چماق بالای سر برود.

اکنون که چماق را بالای سر بردند، دیدیم که عقب نشینی و چالش میان دستگاه رژیم آشکارتر شده است. هنوز مرحله سوم صورت نگرفته است و ممکن است این فشار برای بیرون راندن تندروها و جایگزین کردن شکل دیگری از اصلاح طلبان در ساختار قدرت ایران، باشد.

البته ناگفته نماند تحریک ایران توسط روسیه و برخی دیگر از جناحهای ضد آمریکایی در جهان و تشویق ایران برای به چالش و جنگ طلبیدن آمریکا کاملاً آشکار است. پشت سر جناح تندرو و سپاه پاسداران روس و چین قرار دارند

اینکه ایران در این میدان جنگ آسیب فراوان ببیند اصلاً برای روسها و عوامل ضد آمریکایی مهم نیست. مهم تنها ضربه زدن به آمریکا و تضعیف اقتصاد آن و زیر سوال بردن حیثیت جهانی آمریکاست.

چاره چیست؟ آمریکا باید چکار کند؟

چرا نیازی به جنگ نیست؟

حضور گسترده نیروی نظامی آمریکا باید در راستای کنترل و امنیت ایران پس از سرنگونی ملاها باشد که خواهد بود. حذف رژیم ملاها مانند عراق نیاز به حمله همه جانبه نظامی ندارد.

تنها کفایت که فتیله شعله محاصره اقتصادی را بالاتر ببرند.

خواهیم دید که چگونه رژیم از درون متلاشی خواهد شد.

**حتی نیروهای نظامی آمریکا و اسرائیل نباید پایگاههای نیمه کاره اتمی ایران را بمباران کنند.**

زیرا با شرایط بحرانی منطقه و متحد آینده اسرائیل و شاید عضو جدید ناتویه یک ایران قدرتمند بیشتر نیاز خواهد بود تا یک ایران ویران شده که آنرا از نظر زمانی به عقب ببریم.

نیروی نظامی برای قیچی کردن پروبال جمهوری اسلامی و اوباشان آن در عراق و افغانستان و.. نیاز است.

نهایت آن اگر نیاز باشد باید پایگاهها و اماکن سران رژیم را مورد هدف قرار داد زیرا سلاحهای مدرن بسیار دقیق عمل میکنند.

همین اقدام در میدان کشیدن مردم به خیابان اثر خواهد داشت. البته فشار اقتصادی خود رژیم را بزانو در می آورد.

با فشار تدریجی همه جانبه خود بخود شرایط زیست برای رژیم نیست می گردد.

همانگونه که ویروسها در دمای معینی نابود می گردند.

آیا اگر سران جمهوری اسلامی جام زهر را نوشیدند، آنگاه چه ؟ این جام چگونه نوشیده می شود؟

همانگونه که عرض کردم آنچه‌ی که سبب نگرانی من می‌شود همانا تنها روزنه‌ی گریز جمهوری اسلامی است.

دیدار اخیر رفسنجانی با سفیر انگلیس گویای این واقعیت است. در اینجا باید بگویم اینبار برای نخستین بار بازگو می‌کنم که نظرم را از دیدگاه کارشناسانه ابراز می‌کنم. بنده بعنوان کارشناس دوره دیده ضد تروریسم و شناخت نیروهای نفوذی و شیوه برخورد این عناصر با پیرامونشان، نظرم را اعلام می‌کنم. در جهان ماورای دیپلماتیک و حیاط خلوت دموکراسی مسائلی اتفاق می‌افتد که رسانه‌ها و نویسندگان از آن بی‌خبرند، تنها وقتی شروع به مقاله نویسی و یا درج خبر می‌کنند که عملی یا کنشی رخ داده باشد. بهمین دلیل نباید دیگر اجازه داد برخی مسائل خود را تکرار کنند. چاره آن تابیدن نور به حیاط خلوت دموکراسی است.

بنده بر سر مسئله خاتمی و اصلاح طلبان در همان ابتدا با برخی به اصطلاح روشنفکران مشروطه مخالف بودم و خودم رابهمین خاطر از حزب کنار کشیدم. (ابتدای حاکمیت خاتمی) امروز هم بخاطر شرایط حساس میهن، ایران عزیز از مسائلی که اطلاع دارم و برخی‌ها هم از این موضوع

باخبرند و گواه این امر هستند، این هشدار را خواهم داد حتی اگر به قیمت جانم تمام شود. ایرانیان نباید فریب این شرایط جنگی را بخورند. باید با چشمانی باز و آگاهانه پیش رفت. زیرا پس از نوشیدن

جام زهر توسط خمینی، رژیم ملایان همچنان ادامه حیات دادند. گاهی در ملاقاتهای سیاسی حرفهایی بظاهر ردوبدل می‌شود که اصل قضیه و جریان نیست. مانند گفتگوی رفسنجانی با سفیر انگلیس.

مانند گفتگوی خاتمی در انگلیس و آمریکا و خیلی مثالهای دیگر که بعداً به آنها اشاره خواهم کرد. این جام چگونه نوشیده می‌شود؟ شرایط نوشیدن این جام را برخی از نیروهای دمکرات آمریکا و اروپا (که افسوسنام دمکرات را با خود یدک می‌کشند)

به خاتمی با آن سفرهای ویژه برونمرزی اش، به وی آموختند. آری آن طوطی دمکراتهای آمریکا و اروپا پیغامی را به بازرگان (خاتمی) ارائه دادند که آن پیام را به طوطی در قفس بست سیاسی اقتصادی (رفسنجانی) برساند. آن پیغام چه بود؟ آن پیام که شبیه پیام 8 سال عمر خریدن برای رژیم در دوران خاتمی است که پیشتر توسط بازرگان قبلی

ما آقای ابراهیم یزدی ارسال شد و هشت سال ایران بیشتر غارت شد که هزینه آن صدها برابر بیشتر از جنگ احتمالی علیه ایران بود.

اینبار فرم و شکل دیگری بخود گرفته است. هدف آمریکا باید تغییر رژیم جمهوری اسلامی و احیای دموکراسی باشد نه آنکه با فشار اقتصادی و نظامی تنها سبب انتقال قدرت به نواصلاح طلبان باشد و ایران را 10 سال دیگر بچاپند.

**یعنی با ناکارآمد نشان دادن حکومت احمدی نژاد و جناح تندرو بحران اقتصادی، شرایط را برای بقدرت رسیدن**

**جبهه جدید رفسنجانی و خاتمی (ننو اصلاح طلبان) آماده سازند.** با کنار زدن خامنه ایی بیمار (شاید بظاهر بیمار) و جناح مصباح یزدی ها، اصلاح طلبان مرده را از تابوت

اصلاحات در آورند و مردم را بجای مرگ تندروها به تب اصلاح طلبان راضی کنند. بگفته تنوریسین اصلاح طلبان آقای حجاریان که گفته بود اصلاح طلبی مرده است. حال چگونه با کدام شوک الکتریکی عوامل خارجی به قلب از کار افتاده اصلاح طلبان ضربان تازه بخشیدند و آنرا دوباره بجریان انداختند، جای پرسش است.

البته اشاره شد که این نیروها چه افراد و جریاناتی هستند

**براستی چه چیزی سبب نگرانی آمریکا می‌شود؟**

بهمین جهت در یکی از مقاله های خودم به سختی به جان بولتن تاختم. (بیچاره بولتن که حرفهایش را پس گرفت) زیرا هنوز هم از گوشه و کنار باز طرح لیبی بگوش می رسد!

این طرح هیچگاه شامل حال ایران نخواهد شد. زیرا جایگاه لیبی با جایگاه ایران در خاورمیانه دو نقش متفاوت بوده و هست. آیا آمریکا با دیکتاتورها برای منافع خود همکاری میکند؟ اتم آخوندها خطرناک است یا ضد حقوق بشر بودن آنها؟ نقش هر کشور دیکتاتوری در منطقه متفاوت است. نقش ایران و تلاش ملایان در ابتدا رهبری جهان شیعه و گسترش امپراطوری شیعه است. بهمین دلیل احساس می کنند که نیاز به بمب اتمی در این راستا نیز دارند. در صورتیکه حرکت لیبی در خاورمیانه تک مضراب بود. ایران افزون بر شرایط رهبری شیعه از عراق تا لبنان و ... موقعیت حساس جغرافیایی اوست که رقابت روس و چین با غرب بر سر منابع ایران، این تفات را دوچندان می کند. یعنی روسها هنوز پس از فروپاشی کمونیزم هنوز گمان می کنند می توانند در ساختار سیاسی و اقتصادی جهان نقشی داشته باشند. چین هم بگونه ایی دیگر عرض اندام میکند. یعنی درست مانند گذشته نبرد سنگین برای تصاحب منابع انرژی. جهان سرمایه به رهبری آمریکا هیچگاه این اجازه را نخواهد داد این ذات جهان بشری است. خودمان را گول نزنیم. بیاییم از ابتدا آنرا بپذیریم تا بتوانیم سیاست بهتری اتخاذ کنیم. دموکراسی بمعنای مدرن امروزی هدف نیست بلکه ابزاری شده است برای رسیدن به اهداف دیگر. (سرمایه و بازار)

وظیفه تمام کسانی که در امورهای مختلف سیاسی کار می کنند و یا کارشان پنهان است و در حیاط خلوت دموکراسی کار میکنند، اینست که بدنبال دموکراسی نسبی باشند و مردم کشور خودشان را بموقع آگاه سازند.

نه آنکه خود را بفروشند و به دنبال رفاه شخصی و خانواده گی خودشان باشند. بنده در مقاله ایی دیگر از حیاط خلوت دموکراسی برایتان خواهم گفت که جنایاتی در آن که رخ نمی دهد. یک سیاست انگلیسی که برگرفته از نظریه ماکیاولی نیز می باشد، می گوید که دوستی من و تو تا زمانی پایدار است که در جهت منافع ملی من باشد.

اگر آن دوستی و پیمان در آن راستا نباشد، بسیار شکننده خواهد بود. حال هرچند این دوستی ژرف و طولانی باشد.

ما ایرانیان میدانیم که رژیم ملایان انرژی اتمی را برای تضمین ادامه حکومتشان معامله خواهند کرد. زیرا این رژیم دیگر نمی تواند ایدئولوژیکی باشد. بیشتر سران رژیم تبدیل به کارتهایی ابر سرمایه شده اند

که حفظ منافع و سرمایه شان به هر شکلی مهم تر از عقایدشان است. آنچه می گویم که سبب نگرانی آمریکاییان می شود، خود رژیم ملایان نیست. زیرا ایران اکنون میدان تاخت و تاز روسیه و چین شده است.

روس ها میدانند از دست دادن ایران چه زیانی به اقتدار روسیه خواهد زد.

**در اینجا آمریکاییان تنها دوراه معقولانه دارند. راه نظامی و راه غیر نظامی.**

**راه سوم که همانا انتقال قدرت به آخوند انجیل بدست است که بسیار خطا خواهد بود.**

**(رفسنجانی که از ریگان یک انجیل و دو کلت هدیه گرفته بود)**

راه نظامی کوتاه مدت جهت فلج کردن توان نظامی و اقتصادی حکومت ملایان با در نظر گرفتن پشتیبانی مردمی که ضد رژیم اسلامی هستند.

راه دوم با هزینه کمتر ولی زمانی بیشتر همانا با تحریم اقتصادی و سیاسی گسترده رژیم آخوندی را فلج کند

و آزادی را به مردم محول کند و ارتش آمریکا تنها نقش امنیت و

تمامیت ارضی را بطور موقت بعهده بگیرند.

**راه سوم خیانت به آزادی و بمردم ایران خواهد بود. رفسنجانی کسی نیست که غرب به آن اعتماد کند.**

خاتمی و رفسنجانی در ملاقاتهای پشت پرده عهد کردند که نه تنها از انرژی اتمی چشم‌پوشند حتی اسرائیل

را نیز برسمیت بشناسند.

این واقعیتی است که من به سهم خود به ایرانیان بویژه جوانان درونمرز هشدار میدهم. فریب **خاتمی و رفسنجانی** را که وعده رفاه و ارزانی را ب مردم می دهند نخورند. باور کنید احمدی نژاد و خامنه ایی و مصباح یزدی ها بمراتب بسود ما ایرانیان است تا خاتمی و رفسنجانی ها. ایرانیان کلی تلاش کردند تا چهره نظام جمهوری اسلامی یکدست کنند تا جهان با چهره بی نقاب جمهوری اسلامی روبرو شود.

نه آنکه به تداوم عمر رژیم ملایان بپردازیم و ایران را سالها عقب مانده و غارت شده بنگریم.

**خاتمی با حضور خود در سوئیس و سران داووس می خواهد پنهانی با وزیر خارجه اسرائیل دیدار کند.**

**خاتمی قصد دارد در نشست پنهانی با برخی سران جهان قول تغییر آرام رژیم را بدهد.**

از ما گفتن بود. دوستانی که هنوز می خواهند در حیاط خلوت دمکراسی به سکوت ننگین خود ادامه دهند، بدانند

که روزی پاسخگو خواهند بود. حیاط خلوتی های دمکراسی به آندسته از ایرانیانی اطلاق میشود که در امور امنیتی و سیاسی کشورهای پیشرفته جهان دارای مقام و منسبی هستند.

اینگونه افراد نوعاً دارای اطلاعاتهای گسترده ایی هستند.

عشق به ایران را باید تا لحظه مرگ نیز به همراه داشت. انتخاب با آنان است.

آری می توان در سیاست محافظه کار بود ولی در چاچوب منافع ملی نه غارت آن.

اینجاست که می گوئیم تاریخ خود را تکرار میکند. اگر مردم آگاه باشند و در صحنه حضور آشکار داشته باشند، به این راحتی ها بدبختی ها و فلاکت تکرار نمی گردد.

پاینده ایران نیک جعفرزاده 24 ژانویه 07

من این مقاله را هفته پیش نوشته بودم بدلیل حمله یک ضد خارجی به من سبب شد کارهایم عقب افتد